

## پرسه در دنیای مخاطب

به راحتی، با این داستان - شعرها ارتباط برقرار می‌کند و آن‌ها را باورپذیر می‌بیند. این شعرها کاملاً یک دستند و مخاطب در لایبرنت‌های آنها گم نمی‌شود. تسلط «شعبان نژاد» بر شعر و داستان، مهم‌ترین عامل موفقیت روایت در شعرهای این مجموعه است.

«بادبادک و کلاغه»

«شعبان نژاد»، در توصیف نیز به عنوان یکی از عناصر مهم شعر کودک، همانند روایت، کاملاً موفق عمل کرده است. برخورد با روان‌شناسی کودک، نشان می‌دهد که کودکان، حتی در حد مبالغه و اغراق، به توصیف اهمیت خاصی می‌دهند. به طور مثال کودکان، آدم بزرگ‌ها را با مشخصه‌های ظاهری آنها می‌شناسند و معرفی می‌کنند. یک آدم قد بلند، در توصیف‌های آنان، به اندازه درخت است و سبیل‌ها پر پشت یک مرد، در

○ هادی خورشاهیان



- عنوان کتاب: بادبادک و کلاغه
- شاعر: افسانه شعبان نژاد
- تصویرگر: محمدعلی بنی‌اسدی
- ناشر: آستان قدس رضوی
- نوبت چاپ: اول - ۱۳۸۰
- شمارگان: ۵۰۰۰ نسخه



بادبادکم گوشواره‌هاش بلنده  
کلاغه قار و قار به اون می‌خنده  
شاعر، تکنیک روایت را در شعرهای یک دست روایی «بادبادک و کلاغه» کاملاً رعایت کرده و به بهانه آوردن تصویر شاعرانه، پند، طرح مسایل آموزشی و غیره، از فرم روایی خارج نشده است. شعرهای «بادبادک و کلاغه»، «مادر بزرگ»، «زنگوله پا»، «خروسه»، «بادکنک»، «عروسکی» و «گل سر» کاملاً روایی اند و سه شعر باقی مانده کتاب نیز از روایت بی بهره نیستند. به طور طبیعی، کودکان به داستان اشتیاق خاصی دارند، همیشه مشتاق شنیدن داستان از زبان بزرگ‌ترها هستند، به کتابهای داستان علاقه‌مندند و حتی با توجه به خواسته‌ها و پندارهای خود، داستان سرایی می‌کنند و وقایع معمولی را نیز با آب و تاب و به صورت داستان، شرح می‌دهند. شاعر «بادبادک و کلاغه»، از ایده انحرافی رایج که موسیقی را عامل اصلی دلنشین بودن شعر کودک می‌پندارد و به معنا و دیگر عناصر شاعرانه، اهمیت چندانی نمی‌دهد، فاصله گرفته و با کودک مخاطب شعرهایش کاملاً هوشمندانه برخورد کرده است. شعرهای روایی این مجموعه، علاوه بر رعایت تکنیک روایت، از نظر منطقی نیز قابل پذیرش اند. کودک مخاطب این شعرها،

«بادبادک و کلاغه»، «بهار»، «خاله پینه دوز»، «مادر بزرگ»، «زنگوله پا»، «خروسه»، «بادکنک»، «خواهر کوچولو»، «عروسکی» و «گل سر» عناوین شعرهایی است که در مجموعه شعر «بادبادک و کلاغه»، سروده «افسانه شعبان نژاد»، گرد آمده است. شعرهای این مجموعه بیشتر در قالب مثنوی و برای گروه الف، سال‌های قبل از دبستان، سروده شده‌اند.

این شعرها بیشتر روایی و تصویری‌اند. بی تردید این ویژگی‌ها، از نکات مثبت شعرهای «بادبادک و کلاغه» به شمار می‌آید. برای گروه سنی الف، علاوه بر عامل موسیقایی شعر؛ روایت و تصویر، بیشترین سهم را در زیبایی شعر به خود اختصاص می‌دهند.

روایت نیز در اغلب شعرهای این مجموعه، سهم به سزایی دارد. شاعر علاوه بر جنبه‌های شاعرانه شعرها، به جنبه روایی آن‌ها نیز توجه کافی داشته است:

باد که می‌آد، بادبادکم می‌خنده  
باز میشه یک پرنده  
از روی بام خونه مون  
پر می‌زند به آسمون  
پیچ می‌خوره، تاب می‌خوره  
اون بالا آفتاب می‌خوره



هزار هزار تا بلبل  
- چه کار کرد؟  
- درخت‌ها رو بیدار کرد  
گل‌ها شدن قطار قطار  
درد نکنه دست بهار

«بهار»

توصیف و روایت در این مجموعه، در هم تنیده‌اند و در واقع، توصیف بخشی از روایت شده و این موضوع، از نکات مثبت شعرهای «شعبان نژاد» است. در شعرهای او، توصیف در خدمت روایت قرار گرفته است. شاعر با روایت، سوژه مورد نظر را مطرح می‌کند و در این میان، هر جا که لازم است، از توصیف نیز کاملاً به جا سود می‌جوید. در این مجموعه، هیچ شعری نیست که توصیفی صرف باشد و شاعر بی آن که موضوع خاصی در ذهن داشته باشد، بی دلیل و فقط به سبب زیبایی شاعرانه، به توصیف مثلاً بهار یا پروانه پرداخته باشد.

«شعبان نژاد»، در این مجموعه، با وجود زیبایی و موفق بودن همه شعرها، دوشعر دارد که یک سر و گردن از بقیه شعرها بالاتر ایستاده‌اند. این دو شعر، هر چند از روی هم کپی شده‌اند، باز هم هر دو بسیار زیبا هستند. شعرهای «زنگوله پا» و «گل سر»، با استفاده از کشفی شاعرانه، در فضایی متفاوت سروده شده‌اند. «زنگوله پا»، در فضای طبیعی باغ، با استفاده از عنصر حیوان و «گل سر»، در فضای مصنوعی خانه، با استفاده از حضور انسان، سروده شده‌اند.

در هر دو شعر، روایت در حد بسیار خوبی است و توصیف‌ها نیز به خوبی با روایت در هم تنیده شده‌اند.

خاله که اومد از سفر  
زد به موهام یک گل سر  
یک گل سر به رنگ گل  
به شکل یک سیب تپل  
بابا جونم وقتی رسید  
روی موهام سیبم رو دید  
با خنده گفت به مادرم  
«درخت سیبه دخترم»

«گل سر»

زنگوله پا کنار جو راه می‌ره  
زیر درختای هلو راه می‌ره  
جست می‌زند روی دو پا  
شاخ می‌زند به شاخه‌ها  
از رو درخت چند تا هلو  
گیر می‌کند به شاخ او  
باغ هلو که ساکنه همیشه

حدی است که دهانش را کاملاً می‌پوشاند. در داستان‌هایی که کودکان تعریف می‌کنند توصیف نیز بسیار مهم است. صحنه تصادف یا مشاجره، به طور خاصی وصف شده، برخی وقایع به طرز انگیزی بزرگ‌نمایی می‌شود. شاعر به خوبی به این نکته واقف است و در شعرهای مجموعه‌اش، آن طور توصیف می‌کند که مخاطب می‌پسندد و می‌شناسد.

تق تق تق  
- کی آمد؟  
کی در زد؟  
به باغ ما کی سر زد؟  
- بهار بود  
- چی داشت؟  
- شکوفه و گل



پر از سر و صدا و خنده می‌شه  
زنگوله پا باغ رو به هم می‌زنه  
شده درختی که قدم می‌زنه  
«زنگوله پا»

شاعر با شعرهای خوب و موفق این مجموعه، به خصوص این دو شعر، نشان می‌دهد که علاوه بر شعر و داستان، مخاطب را نیز به خوبی می‌شناسد. دنیای مخاطب را در نظر می‌گیرد و سپس با استفاده از عناصر شاعرانه و روایتی، با کلماتی که مناسب دنیای مخاطب است، برای او شعر می‌گوید. بدیهی است که چنین دید و شناختی از مخاطب و دنیای او، نقطه عطفی در کار شاعر و نویسنده‌ای است که می‌خواهد اثری قابل قبول و تأمل خلق کند. اثری که بتواند در لایبرنت ذهن مخاطب قدم بزند و از خود، رد پا به جا بگذارد. «شعبان نژاد»، نشان داده است که می‌خواهد و می‌تواند خالق چنین اثری باشد.